

یادداشت
 جوهر سیاست؛ می‌خواهم که تو نباشی
 سیدمرتضی مریدیا
نقل شده است که رضاخان سردارسیه در آستانه در ورودی مجلس شورای ملی سید یحیی حسن‌مدرس را گرفت و در حالی که در چشمان او خیره شده بود پرسید: سید، تو چه می‌خواهی و مدرس در پاسخ او با تأکید خاصی گفت می‌خواهم که تو نباشی. بحث در صحت و‌سقم این روایت ویا‌دآوری در نیت طرفین آن نیست. نسبت به این موارد هر موضعی که اتخاذ کنیم، یک چیز مسلم است و آن این که در دیرباز اصل اساسی سیاست همین بوده است که، بنابر روایت فوق، از دهان حسن مدرس بیرون آمد: «می‌خواهم که تو نباشی... نه تنها تمامی رقابت‌های سیاسی تاریخ ماقبل مدرن، گرد همین محور ساده خلاصه شدنی است، بلکه در دنیای معاصر و در دموکراتیک‌ترین نظام‌های حکومتی نیز ذات سیاست از این اصل فاصله نمی‌گیرد. ولی چه تفاوتی است میان رقابت‌سیاسی از آن نوع که میان لطمه‌لی‌خوان زند و آغا‌محمدخان قاجار بود یا آنچه میان دو حزب در یک جامعه دموکراتی می‌گردد؟ رقابتی که میان احزاب در جوامع مدرن جاری است استراتژی «می‌خواهم که تو نباشی» را در کار حقوق بشر پیش می‌برد. یعنی احزاب به دنبال آن نیستند که رقیب خود را از هستی فیزیکی ساقط کنند و با حقوق مدنی او را سلب کنند، بلکه فقط تا جایی که بتوانند به پشتوانه آن مردم دست‌ر قعیب را از مصادر قدرت سیاسی کوتاه می‌کنند و به نابود کردن موقت و مشروع او در عرصه قدرت پیسته می‌کنند. ولی آیا این محدودیت‌ها را از سر سبز-کسواری و لسطیف می‌پذیرند؟ پاسخ منفی است. ذات قدرت با اخلاق در تنافی است، و چه‌بسا احزاب سیاسی رقیب که در اندرونه خود آرزوی نیستی مطلق حریف را می‌پروند، اما نکته‌اینباست که محاسبه پیچیده منافع و واقع‌بینی علمی به خطا بودن اقدام برای تحقق این آرزو فتوای قطعی می‌دهد. تلاش برای نابود کردن مطلق حریف در صورت امکان هم‌ا هزینۀ بسیار همراه است و چه‌سا تلاش برای نیل به چنین هدفی طرفین رقابت را به مرز نابودی یکشانند. حتی در صورت به حساب نیاوردن میزان بالای ریسکی که چنین رفتاری دارد و با فرض پیروزی، باز هم این نکته هست که دفع رقیب با این روش در دنیای جدید نوعی حاکمیت تهدیدشده را به وجود می‌آورد؛ حاکمیتی که هر لحظه در خوف این است که با روش‌های مشابه آن گردن‌ه‌خ‌ف شود. علاوه‌بر این، حفظ و حراست این سازه در تعادل تنها با صرف هزینه‌های انبوه مالی و فکری مقدور است که تاگزیر به ضرر برنامۀ ریزی در بخش‌های دیگر می‌انجامد و از این طریق اقتصاد، فرهنگ و سایر بخش‌های مملکت را نیز فلج می‌کند، چنان که کرده است و زندگی در ظل چنین شرایطی به شدت سخت می‌شود و ناخرسندی می‌آفریند. این سخن تهدید به وقوع انقلاب نیست. به لحاظ تشویریک در هر جامعه‌ای از زمانی که نیروی انتظامی – امنیتی با قدرت عمل کند و حکومت در قلع ومعقل مخالفان تزلزل به خود راه ندهد، امکان وقوع و با دست کم پیروزی انقلاب منتفی است. سخن ما تأکید بر مقرون به صرفه‌نبودن حذف مطلق رقیب و در نتیجه عدم امکان تداوم آن است. اما اگر در طی قرن‌ها و هزاره‌ها با باز ا رقابت سیاسی با شعار «می‌خواهم که تو نباشی» در روایت مطلق آن گرم بوده است، چرا در دنیای معاصر کاربست این روایت باید مقرون به صرفه نیست؟ علت این است که در دنیای ماقبل مدرن در رقابت‌های سیاسی، هر مردم یک عامل خشنی به حساب می‌آمدند. پس از پیروزی یک مدعی بر حریف و شکست نیروی نظامی او، حکومت برقرار بود و می‌توانست به بقای کم هزینه خود امیدوار باشد. اما امروز حکومت در دادرستمد تداوم با مردم است و در صورتی که از بین بردن حریفان سیاسی، که نمایندگان بخش‌هایی از مردم هستند، اعتماد شهروندان را از دست بدهد، دیا‌لوگ حکومت با مردم به یک دروغ تبلیه‌دار بدل می‌شود، و حکومت برای حفظ خود ناچار است عمده امکانات مالی و فکری خود را قالم کلیشه‌های امنیتی – انتظامی سامان دهد تا بتوانند تعادل ناپایدار خود را حفظ کنند. این، جامعه‌ای به سمت نوعی مقاومت منفی می‌شود، که تیزی سلاح سرکوب را در دزدمت کند خواهد کرد. به شهادت نتایج رای‌گیری‌های اخیر، نقشه سیاسی ایران، مردم را به نسبت هشتاد به بیست میان دو رقیب سیاسی تقسیم می‌کند: از سوی دیگر، اهرم‌های قدرت در این بین به نسبت معکوس تقسیم شده است. محافظه‌کاران هشتاد درصد قدرت و بیست درصد آرا را در اختیار دارند و اصلاح‌طلبان بیست درصد قدرت و هشتاد درصد آرا. تأکید اصلاح‌طلبان بر این که آنان به پشتوانه این‌رای‌ها ایستاده‌اند که قدرت می‌عادل آن را در دست داشته باشند اگرچه درست است، اما واقع‌بینانه نیست؛ چون در از چارچوب یک ساختار دموکراتیک، روابط سیاسی خود را سامان نداده‌اند. اما از سوی، این رفتار محافظه‌کاران نیز که به پشتوانه آن قدرت، رای حریف را به چپ‌ری برمی‌گیرند نیز غیرواقع‌بینانه است. چون مردم دیگر عامل خشنی نیستند، حتی اگر قادر به شورش و انقلاب هم نباشند. ساخت دنیای جدید به گونه‌ای است که حکومت، در اوج قدرت نظامی و امنیتی هم، نمی‌تواند از مردم قهرانت حاصل کند. نتیجه این سخن آن است که استفاده از اصلاح‌گرایی ناچار است به گونه‌ای عمل حرکت کند که حریف را مجبور به پیرواه از تمامی امکانات خود در سرکوب اصلاح‌کنندگان، و در مقابل، پروژه مقاومت انقلابی نیز اگر به عقل به عنوان ابزار محاسبه وفادار است، تاگزیر است‌رای‌ها هشتاد درصدی مردم را به عنوان یک واقعیت بپذیرد و استراتژی «می‌خواهم که تو نباشی» را در معنای ماقبل مدرن آن به اجرا نگذارد و در پی حل کامل مسئله و یک‌بار برای همیشه نباشد. به عبارت دیگر، تا زمانی که هر یک از دو طرف در داخل چارچوب فکری خود یک طرف مدسکراسی و طرف دیگر اقتدارگرایی را به نفعی طرف مقابل می‌پرازد، هیچ‌سرد مستعدان است که منطقه یک جدول کار را در خود بپروزد؛ چیزی که از آن جز هلاک حرت و استقلال حاصلی به بار نخواهد نشست. اما اگر دو طرف با ابزار واحد عقل، به محاسبه پیچیده و درازمدت‌سود و زیان خود بپردازد، تا‌شناسی بقای کم هزینه هر دو طرف بالا می‌رود. ممکن است محافظه‌کاران، یا لایه‌های تندروتر آنان که اخیراً خود را جبهه مقاومت انقلابی خوانده‌اند، پذیرش روایت جدید رقابت سیاسی را به معنای واگذاری عرصه به رقیب تلقی کنند. ولی دو نکته در این باب قابل تأمل است: یکی این‌که اگر در این جریان خطی از حقیقت وجود داشته باشد (که قطعاً وجود دارد)، این واگذاری عرصه، موقت و محدود خواهد بود و مثل همه جای دیگر دنیا رقابت سیاسی حرکتی نا‌توانی خواهد بود؛ مردم آن که واگذار کردن هیچ بخشی از عرصه سیاست به حریف هم معلوم نیست در درازمدت نتایج بهتری داشته باشد. به ویژه برای یک جریان ایدئولوژیک که به آینده هم می‌اندیشد. حقیقت‌شده است در آخرین روزهای سلطنت پهلوی، دو تن از تزلزل‌های شاه در جلسه‌ای اظهار داشتند که امعای کامل انقلاب و تثبیت قدرت سلطنت از طریق یک اعمال خشونت گسترده ممکن است، در آنجا کسی در پاسخ می‌گوید، به گسترده‌ی مخالفت‌ها نگاه کنید، حتی در صورتی که این سرکوب پیروز شود، حکومت بر جامعه‌ای لبریز از ناخشنودی آسان نخواهد بود.

درب‌ی اقدام تئورستی اخیر گروه رجوی در به‌شهادت‌مساندن سپید‌صیادشیرازی

وزارت امور خارجه از کاردار عراق توضیح خواست

گروه داخلی – در پی به شهادت رسیدن سپهبد علی صیادشیرازی جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران توسط گروه تروریستی رجوی، صبح دیروز کاردار عراق به وزارت امورخارجه احضار شد.

به گزارش ایرنا، علی اصغر خاجی، مدیرکل خلیج فارس ضمن ابلاغ مراتب اعتراض شدید دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به حمایت‌های دولت عراق از اقدامات تروریستی این گروه اعلام کرد: «این‌گونه وقایع تأثیرات سوء و جبران‌ناپذیری بر روابط دو کشور خواهد داشت.

مدیرکل خلیج فارس وزارت امور خارجه همچنین خواستار ارائه توضیحات دولتی عراق در این زمینه شد.

					
	اذان ظهر : ۱۳ و ۷ دقیقه				
	غروب آفتاب : ۱۹ و ۳۲ دقیقه				
	اذان مغرب : ۱۹ و ۳۴ دقیقه				
	اذان صبح : ۱۵ و ۵ دقیقه				
	طلوع آفتاب : ۶ و ۲۸ دقیقه				
	به شهادت ۲۳ فروردین				
	راند عمده				

گروه داخلی- با پذیرش مسئولیت ترور علی صیادشیرازی - یک مقام ارشد ارتش جمهوری اسلامی ایران - توسط سازمان مجاهدین خلق ایران، بار دیگر ناامین گروه وارد فضای سیاسی کشور شده است. گرچه بسیاری از تحلیلگران سیاسی معتقدند گروهی که مسئولیت ترور را پذیرفته است بسیار ناتوان تر از آن است که بتواند در فاصله زمانی کمتر از یک سال نسبت به ترور چهار چهره برجسته حکومتی ایران (اسدالله لاجوردی، محسن رفیق‌دوست، علی‌ازانی و علی صیادشیرازی) اقدام کند و این‌گونه پذیرش مسئولیت‌ها را به نوعی بلوف سیاسی تعبیر می‌کنند، اما همین صاحب‌نظران نمی‌توانند از هویت تروریستی سازمانی که رهبری آن بر عهده مسعود رجوی است چشم‌پوشی کنند. چه حتی اگر از وجود برخی انگیزه‌های خاص برای ترور چهاره ای غیرسیاسی، اما وفادار به جمهوری اسلامی مانند علی صیادشیرازی بتوانیم صرف‌نظر کنیم (سپهبد ترور‌شده فرماندهی یک عملیات دفاعی نظامی علیه «سازمان مجاهدین خلق» در سال‌های پایانی دهه ۶۰ موسوم به عملیات مرصاد در منطقه کرمانشاه را بر عهده داشت که به شکست سخت گروه رجوی و عقب‌نشینی آن به داخل خاک عراق، دشمن قدیمی ایران منجر شد)، نمی‌توان نکته مهمتری را که گروه مذکور را در آثار پژوهندگان بی‌طرف مسائل ایران به عنوان یک گروه سبزه‌جوی اسلامی موصوف ساخته است از یاد برد. واقعیت این است که گروهی که در ادبیات سیاسی- رسمی و غیررسمی ایران به نام‌هایی چون «مجاهدین خلق»، «مار کمیسیت‌های اسلامی»، «منافقین...» معروف شده، در چهار دهه اخیر یکی از گروه‌های مؤثر ایرانی در شکل‌گیری فضای سیاسی کشور بوده است و البته در این چهار دهه (از زمان تأسیس در سال ۱۳۴۴ تا یک دهه قبل) در معرض داوری‌های مختلفی قرار گرفته است، داوری‌هایی که پیش‌اصلی آن به کارهای متفاوت سازمان در سال‌های گذشته بازمی‌گردد و بخشی از نمودهای خود را در نام‌هایی که بیشتر به آنها اشاره شد نشان داده است. در حالی که رژیم پهلوی ایران این گروه را به نام مار کمیسیت‌های اسلامی معرفی می‌کرد، از پایان دهه ۶۰ گفتمان رسمی در ایران برای توصیف سازمان مذکور از واژه منافقین استفاده می‌کند. واژه منافقین در حقیقت به یک مفهوم قرآنی و اسلامی اشاره دارد که در توصیف دوگانگی فکری یا رفتاری به کار می‌رود. این دوگانگی نه تنها با اصولگرایی شیعی (که نمود خود را در چهاره‌ای مانند امام اول شیعیان علی ع می‌یابد، بلکه با اخلاق ایرانی نیز در تضاد است. از همین جهت است که تقریباً هم مخالفان مذهبی دوازده «مجاهدین خلق» آنها را یک سازمان التقاطی می‌دانند و هم به باور مخالفان غیرمذهبی آنها، چنین واژه‌ای در موردشان صدق می‌کند. شاید مهمترین عامل در این اتفاق‌نظر را بتوان در تحولی که در سال ۱۳۵۴ در «سازمان مجاهدین خلق» رخ داد، جست‌وجو کرد. در این سال برخی رهبران سازمان که هنوز توسط رژیم شاه دستگیر نشده بودند به پذیرش مار کمیسیم روی آوردند و کادر رهبری آن را انتشار جزوه‌ای با عنوان بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک اعلام کردند که پس از ده سال زندگی مخفی، چهار سال مبارزه مسلحانه و ده سال بازاندیشی ایدئولوژیک به این نتیجه رسیده‌اند که نه اسلام بلکه مار کمیسیم، فلسفه راستین انقلاب و روش علمی مبارزه است. واقعیت این است که در طول ده سال نخست فعالیت «سازمان مجاهدین خلق» رهبری آن در عهده بخشی از نیروهای حوال نوگرای مذهبی قرار گرفته بود که از جریان‌های سنتی روشنفکری دینی (مانند نهضت آزادی ایران) منشعب شده بودند و در عین حال به جریان‌های جدیدی (مانند جریان دکتر علی شریعتی) پیوسته بودند. آنان بر خلاف گروه نخست به مبارزه با لامنی یا قانونی باز رژیم حاکم بر ایران اعتقاد داشتند و بر خلاف گروه دوم به مبارزه فرهنگی در برابر مبارزه سیاسی اولویت نمی‌دادند. خط مشی این گروه جدید مبارزه مسلحانه بود که البته نیز به عنوان بخشی از آن پذیرفته شده بود. با وجود این، چنین رویکردی به مبارزه و توجه ایدئولوژیک این یک نوآوری در اندیشه مذهبی ایرانیان به شمار می‌رفت تا آن زمان گمان می‌شد که مذهب بیشتر باید از وضع موجود دفاع داد کند تا اینکه آن را دگرگون سازد، اما راهبریی در عهده رهروهایی بود که با وجود باطلاعات مار کمیسیتی، اسلام را به عنوان راهشما عمل خود قرار داد بودند.
نسل اول مجاهدین (محمد حنیف‌نژاد، احمد محسن، محمد عسکری زاده، رسول شکیب‌فام، علی اصغر بدیع‌زادگان و اسعد رضایی) همه از جمله کسانی بودند که در فضای مذهبی متولد و رشد کرده بودند و به‌دلیل است که با چنین پیش‌زمینه‌ای نمی‌توانند از یک دگرگین رادیکالیستی در عرصه سیاسی خارج شوند هر چند که با انتخاب مار کمیسیم به عنوان علم مبارزه و نیز تقاسیم مختار از مار کمیسیم درباره اسلام تحول را به نظرات جدید نشان می‌دادند، به گونه‌ای که حتی در زمانی مار کمیسیم را نیز یک‌نگرین هسابه اسلام دانستند. با وجود این هنگامی که نسل اول مجاهدین توسط رژیم شاه سرکوب شدند عملاً کار رهبری در دست کسانی افتاد که نمی‌توانستند پذیرش‌های رای به مار کمیسیم پنهان دارند. اطلاعاتی تغییر مواضع ایدئولوژیک در سال ۱۳۵۴ نمونه‌ای از این اشتباهات غیرقابل‌کنترل بود، به گونه‌ای که حتی جنبش طاقانی‌فرزند الله البته طاقانی در نامه‌ای به پدرش، که به دلیل افکار آزاد و انقلابی به ره چهره شاخصی بود مذهبی، دور احترام مار کمیسیت‌ها و البته آئین شرع رسانه‌های غربی معروف شده بود، از تغییر مواضع نسل اول سازمان تلاش می‌کرد. این سال‌ها همی خشونت درون سازمانی مجاهدین خلق، را فرا گرفت. مجید شریف‌رفاقتی اهان که امروز دانشگاهی در تهران به نام اوست) یکی از مؤثرترین قربانیان تصفیه مار کمیسیتی در سازمان شد. وی که خواستار ایجاد هویت اسلامی سازمان بود کمیسیتی خاموشی (برادر صغیر جمعیت مؤتلفه اسلامی) که به جناح مار کمیسیت سازمان پیوسته بود قتل رسید.
نتیجای دیگری نیز به وقوع پیوست که در پرده‌انها م باقی‌ماند، اما یک تازی جناح مار کمیسیتی سازمان چندان ناموفق نبود. بازادی برخی دیگر از رهبران و بازمانده‌گان نسل اول سازمان تلاش می‌نموده برای بازسازی اسلام «مجاهدین خلق» آغاز شد. عمال دیرین چهره این دوره مسعود رجوی زاده خراسان و دانش‌آموخته علوم سیاسی از دانشگاه تهران بود که در دوره پیشین پس از تلاش‌های بسیاری توانسته بود جایی در ارتش سازمان برای خود بخشد. همین تلاش‌های بسیار نشان از حسنی دارد که در ادبیات سیاسی ایرانیان از آن به جناح مار کمیسیت می‌شود. رجوی که پیش از سرکوب نسل اول رهبران مجاهدین چهره برجسته‌ای نبود توانست پس از دوره زندان در نقش یک منشی ظاهر شود و ردیف اول سازمان را با خود اختصاص دهد. او تنها بازمانده رهبران نسل اول بود که به‌نوعی شگرفی از اعدام زهای یافته‌بود. دقیقاً از همین زمان بود که تکاپوهای ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق، پایان پذیرفت و دست‌نبای به قدرت به مهمترین هدف سازمان مذکور بدل شد. در یک نگاه موشکافانه در هر دو دوره پیشین: دوره نسل اول، نسل نهضت اسلامی سازمان و نیز میان دوره رهبران مار کمیسیت پرداختن به دفعه‌های ایدئولوژیک و تعیین تکلیف هستی، انسان و عقیدم مهمترین اسل‌ها در مشغولی مجاهدین را تشکیل می‌داد. و به همین جهت مهمترین آثار تشویرک سازمان نیز در همین دو دوره انتشار یافت و مجموعه آن‌ری که به مدت ده در دوره جدید انتشار یافت در حقیقت چیزی جز یک تجدید چاپ آثار دوره‌های پیشین نبود. مسعود رجوی «سازمان مجاهدین خلق» را نه چون یک سازمان ایدئولوژیک بلکه مانند حزبی ادبی می‌کرد که قبلاً دست‌نبای به قدرت مهمترین هدف او است. تا اینجا کار آنچه رخ داد هنوز آثار بیشترش اف نشود. نبوت: یکی از سازمان انقلابی پس از پیروزی انقلاب می‌کوشد به حزبی سیاسی بدل شود و از این روایات برای ادبی‌دستی به قدرت تلاش کند. نکته منفی آن‌را که می‌گرفت که هنوز برای دست‌نبای به قدرت از روش‌های ماقبل انقلاب استفاده می‌شد. مضافاً بر این رجوی درون شکایات خود را با روش استبداد سازمانی اداره می‌کرد. در سال ۱۳۵۸ سازمان مجاهدین خلق، با احساس زیان از عدم مشارکت در قدرت سیاسی، اقدام به تأسیس هسته‌ها و میلیشیاها نظامی کرد و شروع به زور رفتن در مقابل چشمان قاضان قاضان جدید کرد. اندکی بعد مجاهدین می‌کوشیدند به نحو آشکاری چهره یک اپوزیسیون مسلح را به خود بگیرند. هنگامی که در یک انتخابات پارلمانی برای تدوین قانون اساسی جدید مسعود رجوی و دیگر کاندیدهای «مجاهدین خلق» به مجلس تدوین‌کننده قانون اساسی راه یافتند در اصل انتخابات تردید کردند در حالی که در همان زمان اکثر جناح‌های سیاسی (از محافظه‌کاران گرفته تا لیبرال‌ها و نیز چپ‌گرایان مذهبی دیگر) توانستند به این مجلس راه یابند. هنگامی که توانستند بنی‌صدر عنوان اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران را با حمایت جامعه روحانیت مبارز و بخش عمده‌ای از محافظه‌کاران و لیبرال‌های مذهبی بدست آورد، مسعود رجوی و گروهی که اینک پیش از هر زمان دیگر نام رهبرش شناخته می‌شد همچنان او را یک خرده‌پروزیای لیبرال می‌دانست که می‌تواند با طریق فشارهای چپ‌ناهما (مانند اقتصاد تحجیدی) به خلع سلاح مجاهدین بپردازد. بنی‌صدر نیز در زمره نخستین کسانی بود که به سازمان مجاهدین نام منافقین داد. اما پس از انتخابات، بنی‌صدر که گویا به یاد هیاهوهای خود خیره شده بود کوشید به نحو آشکاری فاصله خود را با اپوزیسیون مسلح کم کند. این کم‌کردن فاصله به آنجا رسید که هنگام خلع‌شدن جنگ میان بنی‌صدر و مخالفان او در حزب جمهوری اسلامی نمی‌تواند به خاطرش بنی‌صدر را با هوپامها و خلبان ویژه‌ش همراهی کند مسعود رجوی بود. مسعود رجوی در حالی در پاریس به ابوالحسن بنی‌صدر پیوست که در آن نزدیکترین معتمدکار او، موسی خیابانی و اشرف ربیعی در نبردی مسلحانه با جمهوری اسلامی می‌سزد می‌پروند. هر چند که آنان احتمالاً نمی‌توانستند هوپامهایی که رهبرشان را از ایران به پاریس می‌برد تشخیص دهند، اما بی‌گمان رجوی از پنجره هوپامها نتیجه نبر مسلحانه‌ای را که اعلام کرده بود می‌دید. رجوی در پاریس نیز از پی‌گیری پروژه خشونت‌آمیز خود منصرف شد. در تیرماه سال ۱۳۶۰ مخ حزب جمهوری اسلامی بمب گذاری شد که در آن تعداد زیادی از مقامات به طرز فجیعی جان باختند.

برجسته‌ترین آنها سیدمحمد حسینی بهشتی مرد مؤثر سیاست ایران بود که طی دو سال گذشته جدی‌ترین رقیب ابوالحسن بنی‌صدر بود. دو ماه بعد رئیس‌جمهور مسعودعلی رجایی و نخست‌وزیر محمدجوادباهنر با اقدام فجیع مشابهی ترور شدند. آنان نیز از مخالفان بنی‌صدر بودند. رجایی نخست‌وزیر بود که بنی‌صدر تلاش بسیار کرد تا کار انتخاب اعضای کابینه‌اش بر دوش او نیفتد. اندکی بعد از عزل بنی‌صدر رجایی بر جای او نشست. تا انجام این دو پروژه بزرگ تروریستی، دیگر تردیدی بر جای نمانده بود که «سازمان مجاهدین خلق» (به‌تشر بگوییم گروه رجوی) از یک سازمان ایدئولوژیک به سازمانی تروریستی تغییر ماهیت داده است. آنان در انتخاب اهداف خود به چنان نمونه‌هایی دست‌دراز می‌کردند که مسلماً هیچگونه قرائت ایدئولوژیک از آن متصور نیست. در آغاز دهه ۶۰ حتی بسیاری از شهروندان عادی ایرانی و آئمه جمعه و جماعات مورد حمایت مردم، توسط همین گروه ترور شدند، بدون آن که ترور آنها به اهداف ایدئولوژیک گروه مذکور کمک کند. در آن زمان عملیاتی از این دست، ترورسم گرو لقب گرفت. تحلیلگران سیاسی معتقدند بخش عمده‌ای از اهدافی که به نفاط گور اصابت می‌کرد در حقیقت تلاش تارفا جمعی برای ایجاد جو رعب و وحشت و ناامنی عمومی بود. اما گذشت زمان و تحکیم دستگاه اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی تنها نتیجه‌ای که از ترورهای این جنبش عاید مجاهدین شد نابودی هسته‌های داخلی آنها و نقوبت چنان امنیتی مجاهدین اسلامی بود؛ چنان‌که پس از مدتی توسط عده‌ای به نقض خبر غیبی شد و باره‌ای از مسئولان از ترس بازگشت خشونت یک حفاظ دائمی را محسوس کرده مذکور کمک کند. در مواردی به تحدید آزادی‌های عمومی می‌انجامید. در اینجا بود که تاریخ نعل وارونه خود را به مجاهدین نشان داد و آنان را از نیروهای خواهان آزادی به افرادی بدل کرد که با عملکرد وارونه خود به آتش مطالبات استبدادی دامن می‌زنند. با این وجود هیچ کدام از رفتارهای مجاهدین به اندازه پشاندگی آنها به حکومت عراق در سال‌های میانی دهه ۶۰ انتخاری نبود. پسند از ناظران مستقل و حتی باره‌ای از کسانی که چندان با گروه رجوی به کین رفتار نمی‌کردند این عمل را یک خودکشی سیاسی خوانده‌اند. هنگامی که در دهه ۶۰ ترورفرانسو در پی بهبود روابط خود با ایران دریافت که نمی‌تواند حساسیت جمهوری اسلامی مبنی بر حضور مجاهدین را در خاک خود نادیده بگیرد به رجوی دستور خروج داد. در این زمان هنوز رجوی به عنوان یک گروه شبه نظامی شبه‌مارکسیستی در افکار عمومی جهان و غربیان شناخته می‌شد و دولت‌های خارجی برای دیگر لایه‌های اپوزیسیون ایرانی (مانند شاهپور بختیار، ابوالحسن بنی‌صدر و رضا پهلوی) اهمیت بیشتری قائل بودند. از این رو هیچ کشور حاضر نبود زحمت حضور یک گروه تروریستی را بپذیرد. در اینجا بود که بخش دیگری از توانایی‌های مسعود رجوی در چرخش‌های صدهوشدار درجه‌ای بروز کرد. رجوی که با فرپاشی تدریجی اتحاد شوروی کوشیده بود از چپ فاصله بگیرد در هنگام اخراج از پاریس بر شدت این توبه افتاد.

او همان‌گونه که اشرف ربیعی همسر سابق و چریک خود را در تهران تنها گذاشت تا با در اختیار گرفتن فیروزه بنی‌صدر در دختر بنی‌صدر یک ازدواج سیاسی دست بزند، در این سال‌ها خود ایدئولوژی را فروداخت و آشکارا به راست چرخید.

این گردش به راست چرخش مجاهدین را در این طبع زامدادار لیسرال غربی‌نفتنداد و سرانجام رجوی مجبور شد عراق را برای سفر انتخاب کند. اما گردش به راست «سازمان مجاهدین خلق» در سال‌های بعدی شدت بیشتری گرفت. رجوی که رهبری سومین راه قانونی باز اختیار کرده بود فرامس‌الاول خود با همسر سابق جانشینش «سازمان مجاهدین خلق» یعنی مهدی ابریشمی را یک انقلاب نوین ایدئولوژیک خوانده بود ولی سال‌های بعد آشکارا رویتش خود را رهبری یک گروه غیرمارکسیستی جلوه‌ده که متناقض و نازن و مخالف شکنجه و سلب حقوق انسان‌ها است. شاید به همین دلیل بود که اینجند تعدادی از زنان سه‌رو دینف اول سازمان گردآمده‌اند و یک زن (همسر سوم رجوی) به عنوان دومین رئیس‌جمهور در تبعید ایران (پس از ابوالحسن بنی‌صدر) از سوی رجوی منصوب شده است.
چندی بعد خود را در رأس شورای ملی قرار داد که به شورای ملی مقاومت معروف گشت در این شورا تنها چند چهره و گروه اپوزیسیون شرق بودند که به‌شهورترین آنها ابوالحسن بنی‌صدر بود. این شورا پس از سوری شدن دوره ماه عسل بنی‌صدر بر رجوی و گرفتن طلاق (دخترش) از او پایان پذیرفت. رجوی که به جهت وداع با آرمان‌نسل اول مجاهدین حتی نام نشریه‌ای را با مجاهد یک نام ایدئولوژیک اسلامی که به مبارزان در راه خدا اطلاق می‌شود) به نام زین‌العابدین تغییر داد از ملی‌گرایان و لیبرال‌ها جدا ربابی‌کند. اما چهره رجوی برای حتی اپوزیسیون خارج از ایران چندان غیرقابل‌پذیرش نبود که کمروزی او به‌روا شود و به نامی دیگر برای گروه رجوی بدل شد. رجوی که تلاش بسیاری برای تجمع اپوزیسیون به نام خود کرده بود دولت پاسخ‌نمی‌دهی بازگردان یک سابق نهضت‌آزای ایران به او که اشاره‌ای طنزآمیز اما صمیم به نقض قدرت برای رجوی به عنوان خورس هزار داند داشت حسین زیرنه‌ناتر پاسخ برای اوست) در موضعی خطرناک قرار گرفته‌بود. از سویی دولت فرانسه خود را به واسطه‌لی‌بهدود ربابی خود از ایران کند و از سوی دیگر رجوی نمی‌خواست چهره‌ای خود را که با پس‌پشت‌نشینی ودموکراسی‌دوگانه پنهان شده بود آشکار سازد. اما سرانجام رجوی با نقا و حیثیت سیاسی یکی را برگزید. اگر بخواهیم ناظران معتقدند در سال ۱۳۵۴، یک کودتای مار کمیسیتی در «سازمان مجاهدین خلق» رخ داد سال‌ها بعد دهه ۶۰ را باید سال‌های وقوع یک استعجال میلترایستی در آن دانست. استعجال‌هایی که در پراوز رجوی به بغداد و در آغوش محمد حسین قنن کامل شد. استعجال حسنی که بر اساس یک سازمان شبه‌نظامی به‌نام حزب بخت‌آزاد در شرق ایران مانند یک رهبر در تبعید اشتراک کرد. هنگامی که آن دو صورت دیگر را رویتند در واقعیت که نقاط اشتراک بسیاری دارند که می‌توانند درباره آن به یک توافق استراتژیک بپردازند. گذشته‌آن‌که هر دو خواهران سرگونی جمهوری اسلامی بودند، هر دو به یک چیز فکر می‌کردند: قدرت و دیگر هیچ.

هر دو رهی آنها سوسیالیست‌های توبه‌کرده‌ای بودند که با گذشته‌شان مسیحور شخصیت خود شده بودند و به قدرت مشغول دیگری نشده‌اند. از سوی دیگر با وجود آن که انتظار می‌رفت حداقل مسعود رجوی به عنوان یک دانش‌آموخته علوم سیاسی ابعاد جدیدی از مفهوم قدرت در دست گیرد، که او نیز مانند صدام حسین معتقد بود قدرت معنای جزو زورعبان ندارد. به‌دیی است که در نتیجه چنین نقاط اشتراک به رجوی و او درباری نه چندان طولانی، اولین جایی که هم‌دور رجوی به این آید بین کرد به‌یگری نظامی بود. رجوی نیروهای خود را در این‌جا مستقر کرد و شب به شب سازمان‌های بازگشت که هم‌دور می‌آمد تدارک دیده بود، صدام به تدریج به او هشتاد که حتی یک رهبر نظامی نیز می‌تواند مانند پادشاهان زندگی کند. آشکار نیست که آیا در این زمان هنوز تصویرزای حاکم‌نژاد، چپ‌گوارا و کاسترو در ذهن رجوی مانده بود یا نه، اما به هر حال او تصویر جدید را پذیرفت.

در تلاش‌های صدام رجوی «سازمان مجاهدین خلق» خشونت را که زمانی در اصطلاح انقلابیون قدسین می‌رفت و ابزاری برای حمله به رژیم صدام به ابزاری برای حمله به ایران، متعاقب ایران و نظام مردم حمایت مردم بدل ساخت. در اینجا بود که گروه‌ای که سازمان شد سلطنتی و حتی ضدانقلابی به سازمانی ضد ملی تبدیل شد اما حضور فعال رجوی در عراق چندی به‌درازا کشید. با پایان یافتن جنگ ایران و عراق او دریافت که شاید به زودی وجه المصلحه‌ای تازه گردد (این بار میان ایران و عراق) در نتیجه مجبور خواهد شد چونان بیهود س گرودان بار دیگر از رش مقاومت ملی خود را بر دوش گیرد و شاید این بار به افغانستان طالبان سفر کند. اما او تصمیم گرفت در پیش‌نظرش که با اعلام‌آتش پس میان ایران و عراق هوشیاری دفاعی جمهوری اسلامی پایان ندهد است وارد خاک ایران شود و تا تهران پیش رود. او مطابق معمول پیش از طرح‌های امنیتی نظامی برای برپهاو بران نهاد: عملیات فروغ جاویدان رجوی فراموش کرده بود که این نتیجه‌عملیات است که موجب به یاد ماندن نام آن می‌شود وگره‌نمی‌که حریف بر جنگ نهاده است چنین موقعیتی خواهد یافت. هنگامی که تاکنک‌های صدام به رجوی وارد خاک ایران شدند و در فقدان نیروهای خسته ایرانی تا چند کیلومتری کرد مانده‌ش پیش آمدند، رجوی هیچ کار گمان نمی‌کرد که به یک فرمانده نظامی وفادار و مجبور اسلامی چنین نزع‌اجتن‌سپهکنی می‌یابد. در نزدیکی کرمانشاه علی‌سادت مبارز شیرازی با طراخی قبلی، منتظر مسعود رجوی آمد. اگر ستری به این استان ایرانی میانه باید شد باز یک‌های موخته‌ای را که در کنار جاده از نیروی رجوی بر جای مانده است خواهد دید و بدین ترتیب نام عملیات فروغ جاویدان تا کام به مرصاد پیروز تغییر پذیرد. ک اینک سال‌ها از آن شکست می‌گذرد. بیهود س گرودان حریف چنانکه سر گونی شیمان جنوب این کشور در جریان استراتژیک صدام حسین است. رسانه‌های جمهوری اسلامی معتقدند رجوی به جزئی از دستگاه صدام بدل شد،امست چنانکه سر گونی شیمان جنوب این کشور در جریان شورش آنها پس از شکست صدام از آمریکا برعهده ارتش مقاومت رجوی قرار گرفته است. اما ناظران معتقدند نهاد حتی به رجوی به چشم جزئی از یک دستگاه نهاد نمی‌شد و حاضر است او را به قیضی – البته قابل ملاحظه – بفرشد. تنها باید زمانی برای این فروش پرس.

اما همه مشکلات رجوی در این موقعیت او خلاصه نمی‌شود. در حالی که رجوی سال‌ها بر اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی تأکید کرده بود اینک افکار عمومی جهان تصورات او را مبنی بر یک کاسه دین نظام سیاسی ایران رد می‌کند، چرا که با حضور سیدمحمد حاتمی در مقام ریاست جمهوری حداقل این است که یک جنبش

داخلی

برجسته‌ترین آنها سیدمحمد حسینی بهشتی مرد مؤثر سیاست ایران بود که طی دو سال گذشته جدی‌ترین رقیب ابوالحسن بنی‌صدر بود. دو ماه بعد رئیس‌جمهور مسعودعلی رجایی و نخست‌وزیر محمدجوادباهنر با اقدام فجیع مشابهی ترور شدند. آنان نیز از مخالفان بنی‌صدر بودند. رجایی نخست‌وزیر بود که بنی‌صدر تلاش بسیار کرد تا کار انتخاب اعضای کابینه‌اش بر دوش او نیفتد. اندکی بعد از عزل بنی‌صدر رجایی بر جای او نشست. تا انجام این دو پروژه بزرگ تروریستی، دیگر تردیدی بر جای نمانده بود که «سازمان مجاهدین خلق» (به‌تشر بگوییم گروه رجوی) از یک سازمان ایدئولوژیک به سازمانی تروریستی تغییر ماهیت داده است. آنان در انتخاب اهداف خود به چنان نمونه‌هایی دست‌دراز می‌کردند که مسلماً هیچگونه قرائت ایدئولوژیک از آن متصور نیست. در آغاز دهه ۶۰ حتی بسیاری از شهروندان عادی ایرانی و آئمه جمعه و جماعات مورد حمایت مردم، توسط همین گروه ترور شدند، بدون آن که ترور آنها به اهداف ایدئولوژیک گروه مذکور کمک کند. در آن زمان عملیاتی از این دست، ترورسم گرو لقب گرفت. تحلیلگران سیاسی معتقدند بخش عمده‌ای از اهدافی که به نفاط گور اصابت می‌کرد در حقیقت تلاش تارفا جمعی برای ایجاد جو رعب و وحشت و ناامنی عمومی بود. اما گذشت زمان و تحکیم دستگاه اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی تنها نتیجه‌ای که از ترورهای این جنبش عاید مجاهدین شد نابودی هسته‌های داخلی آنها و نقوبت چنان امنیتی مجاهدین اسلامی بود؛ چنان‌که پس از مدتی توسط عده‌ای به نقض خبر غیبی شد و باره‌ای از مسئولان از ترس بازگشت خشونت یک حفاظ دائمی را محسوس کرده مذکور کمک کند. در مواردی به تحدید آزادی‌های عمومی می‌انجامید. در اینجا بود که تاریخ نعل وارونه خود را به مجاهدین نشان داد و آنان را از نیروهای خواهان آزادی به افرادی بدل کرد که با عملکرد وارونه خود به آتش مطالبات استبدادی دامن می‌زنند. با این وجود هیچ کدام از رفتارهای مجاهدین به اندازه پشاندگی آنها به حکومت عراق در سال‌های میانی دهه ۶۰ انتخاری نبود. پسند از ناظران مستقل و حتی باره‌ای از کسانی که چندان با گروه رجوی به کین رفتار نمی‌کردند این عمل را یک خودکشی سیاسی خوانده‌اند.

هنگامی که در دهه ۶۰ ترورفرانسو در پی بهبود روابط خود با ایران دریافت که نمی‌تواند حساسیت جمهوری اسلامی مبنی بر حضور مجاهدین را در خاک خود نادیده بگیرد به رجوی دستور خروج داد. در این زمان هنوز رجوی به عنوان یک گروه شبه نظامی شبه‌مارکسیستی در افکار عمومی جهان و غربیان شناخته می‌شد و دولت‌های خارجی برای دیگر لایه‌های اپوزیسیون ایرانی (مانند شاهپور بختیار، ابوالحسن بنی‌صدر و رضا پهلوی) اهمیت بیشتری قائل بودند. از این رو هیچ کشور حاضر نبود زحمت حضور یک گروه تروریستی را بپذیرد. در اینجا بود که بخش دیگری از توانایی‌های مسعود رجوی در چرخش‌های صدهوشدار درجه‌ای بروز کرد. رجوی که با فرپاشی تدریجی اتحاد شوروی کوشیده بود از چپ فاصله بگیرد در هنگام اخراج از پاریس بر شدت این توبه افتاد.

او همان‌گونه که اشرف ربیعی همسر سابق و چریک خود را در تهران تنها گذاشت تا با در اختیار گرفتن فیروزه بنی‌صدر در دختر بنی‌صدر یک ازدواج سیاسی دست بزند، در این سال‌ها خود ایدئولوژی را فروداخت و آشکارا به راست چرخید.

این گردش به راست چرخش مجاهدین را در این طبع زامدادار لیسرال غربی‌نفتنداد و سرانجام رجوی مجبور شد عراق را برای سفر انتخاب کند. اما گردش به راست «سازمان مجاهدین خلق» در سال‌های بعدی شدت بیشتری گرفت. رجوی که رهبری سومین راه قانونی باز اختیار کرده بود فرامس‌الاول خود با همسر سابق جانشینش «سازمان مجاهدین خلق» یعنی مهدی ابریشمی را یک انقلاب نوین ایدئولوژیک خوانده بود ولی سال‌های بعد آشکارا رویتش خود را رهبری یک گروه غیرمارکسیستی جلوه‌ده که متناقض و نازن و مخالف شکنجه و سلب حقوق انسان‌ها است. شاید به همین دلیل بود که اینجند تعدادی از زنان سه‌رو دینف اول سازمان گردآمده‌اند و یک زن (همسر سوم رجوی) به عنوان دومین رئیس‌جمهور در تبعید ایران (پس از ابوالحسن بنی‌صدر) از سوی رجوی منصوب شده است.

چندی بعد خود را در رأس شورای ملی قرار داد که به شورای ملی مقاومت معروف گشت در این شورا تنها چند چهره و گروه اپوزیسیون شرق بودند که به‌شهورترین آنها ابوالحسن بنی‌صدر بود. این شورا پس از سوری شدن دوره ماه عسل بنی‌صدر بر رجوی و گرفتن طلاق (دخترش) از او پایان پذیرفت. رجوی که به جهت وداع با آرمان‌نسل اول مجاهدین حتی نام نشریه‌ای را با مجاهد یک نام ایدئولوژیک اسلامی که به مبارزان در راه خدا اطلاق می‌شود) به نام زین‌العابدین تغییر داد از ملی‌گرایان و لیبرال‌ها جدا ربابی‌کند. اما چهره رجوی برای حتی اپوزیسیون خارج از ایران چندان غیرقابل‌پذیرش نبود که کمروزی او به‌روا شود و به نامی دیگر برای گروه رجوی بدل شد. رجوی که تلاش بسیاری برای تجمع اپوزیسیون به نام خود کرده بود دولت پاسخ‌نمی‌دهی بازگردان یک سابق نهضت‌آزای ایران به او که اشاره‌ای طنزآمیز اما صمیم به نقض قدرت برای رجوی به عنوان خورس هزار داند داشت حسین زیرنه‌ناتر پاسخ برای اوست) در موضعی خطرناک قرار گرفته‌بود. از سویی دولت فرانسه خود را به واسطه‌لی‌بهدود ربابی خود از ایران کند و از سوی دیگر رجوی نمی‌خواست چهره‌ای خود را که با پس‌پشت‌نشینی ودموکراسی‌دوگانه پنهان شده بود آشکار سازد. اما سرانجام رجوی با نقا و حیثیت سیاسی یکی را برگزید. اگر بخواهیم ناظران معتقدند در سال ۱۳۵۴، یک کودتای مار کمیسیتی در «سازمان مجاهدین خلق» رخ داد سال‌ها بعد دهه ۶۰ را باید سال‌های وقوع یک استعجال میلترایستی در آن دانست. استعجال‌هایی که در پراوز رجوی به بغداد و در آغوش محمد حسین قنن کامل شد. استعجال حسنی که بر اساس یک سازمان شبه‌نظامی به‌نام حزب بخت‌آزاد در شرق ایران مانند یک رهبر در تبعید اشتراک کرد. هنگامی که آن دو صورت دیگر را رویتند در واقعیت که نقاط اشتراک بسیاری دارند که می‌توانند درباره آن به یک توافق استراتژیک بپردازند. گذشته‌آن‌که هر دو خواهران سرگونی جمهوری اسلامی بودند، هر دو به یک چیز فکر می‌کردند: قدرت و دیگر هیچ.

ریشه‌های خشونت و ترور در تاریخ یک سازمان

بی‌ستون
 گنجایش دروغ
 سیدابراهیم نبوی
در راستای اینکه در طول تاریخ بهترین تبلیغات دروغ گفتن بوده و بهترین دروغ همواره بزرگ‌ترین دروغ محسوب شده و در این راستا که لازم است هر وقت کسی سرش را پایین آورد دیوامینی توی سرش بزنیم و یک کلاه هم‌روی آن بگذاریم و در صورت رخ‌ت در راستای فریب دادن کسانی که دوست دارند فریب بخورند و با توجه به اظهارات یک گنجشک انگلیسی مبنی بر اینکه: YE CHIZI BEGOO+KEH BEGONJE تبلیغات زیر قابل توجه است. ۱) عکس پیش‌شدن آقای خاتمی در نمازجمعه نشانگر این نکته است که رئیس‌جمهوری اسلامی ایران که ۲۰ میلیون نفر از ملت ایران به او رای داده و رهبر کشور انتخاب او را تأیید کرده و سید و روحانی وزیر مملکت در دوران امام بوده مشروبات الکلی مصرف می‌کند. ۲) دختر آقای هاشمی رفسنجانی ضدانقلاب و سلطنت طلب است. ۳) حجت الاسلام محسن کدویر مرتد است. ۴) کرباسچی (سازدار کار گزیده امام) ساوکی بوده است. ۵) هورانیست‌ها در وزارت اطلاعات نفوذ کرده‌اند. *** نتیجه اخلاقی: وقتی اخلاق نباشد همه چیز مجاز است.

هلموت هوفر با سپردن وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد

گروه داخلی - هلموت هوفر تبعه آلمانی شنبه شب با سپردن وثیقه ۵۰۰ میلیون ریالی آزاد شد.

به گزارش ایرنا، مدیر کل روابط عمومی قوه قضاییه ضمن اعلام این مطلب افزود: «هر ت تشکیل دادگاه‌های بعدی و رسیدگی مجدد از زندان آزاد شده است، قوت تئوری سواد حقوقی گفت: «هوفر تا رسیدگی مجدد به پرونده حق خروج از حوزه قضایی ایران را ندارد.

هلموت هوفر تاجر آلمانی چندی پیش به جرم ربا‌فروشی نامشروع با یک دختر مجرد مسلمان از سوی محاکم قضایی به اعدام محکوم شده بود. از سوی دیگر خبرگزاری روتتر پس از ارائه خبری مفصل از ماجرای هوفر از قول رئیس دفتر صدر اعظم آلمان هومباخ گفت: «رئیس دفتر صدراعظم از آزادی هلموت هوفر استقبال کرد و حل مسالمت‌آمیز قضیه این تاجر توبه‌خوار روابط دو‌جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور ایران و آلمان دانست.

پاشاکه احزاب
 دولت باید تکلیف خود را با رژیم صدام روشن کند
 اتحادیه اسلامی دانشجویان دانش‌آموختگان انتشار بیانیه‌ای تئور شهید

منصور پورحیدری: مشکل فجرسیاسی فنی نیست

به واقع مشکل فجرسیاسی شیراز چیست؟ تیمی که در فصل پیش و در کمال ناباوری با تعدادی از جوانان بی‌نام و نشان در میان بزرگان سربرآورد و تحسین همگان را برانگیخت چرا حالا که باید بارنامه‌تر و بهتر از پیش حرکت کند فانوس سقوط به دست گرفته است؟

فجرسیاسی با این که پورحیدری را مجبور کرد کار مداوم با تیم ملی را رها کند و تمام‌وقت در اختیار تیم شیرازی‌ها باشد باز توانست مسیر حرکت خود بر نوار ناکامی را عوین کند. به طوری که با چند شکست پی در پی حالا در جمع فانوس به‌دست‌ها به فکر فرار از سقوط است.

برای پیدا کردن جواب این سؤال با منصور پور حیدری تماس گرفتم. مربی فجرسیاسی گفت: باید به جرات عنوان کنم که تیم ما از نظر فنی مشکلی ندارد و تمرینات به بهترین نحو ممکن انجام می‌شود. ولی نمی‌دانم چرا در بازی‌ها به نتیجه نمی‌رسیم. بچه‌ها در زمین به راحتی موقعیت‌های به دست آمده را از دست می‌دهند و در عوض به راحتی به حریف اجازه گلزنی می‌دهند. به نظر می‌رسد تعدادی از بازیکنان فجرسیاسی بی‌انگیزه شده‌اند و این طور که مشخص است ظرفیتشان لبریز شده است.

پورحیدری در مورد علت استغای خود از تیم ملی گفت:

بسکتبال باشگاه‌های آمریکا

«شیکاگو بولز» در حضيض ذلت

برابر میانی هیت سروصدای بیشتری را به پا کرد.

شیکاگو بولز قهرمان ۶ دوره از ۸ دوره گذشته این مسابقه‌ها پس از بازنشستگی مایکل جوردن و جداشدن ستاره‌هایش (مثل اسکاتی پپین و دنیس رادمن) رنگ و بوی سابق را ندارد و این بیست و ششمین شکست این تیم در قبال ۱۰ برد آن در فصل جاری بود.

اما دربروز نگویند بختی شیکاگو بولز کامل شد و به اولین تیم از سال ۱۹۵۵ به بعد بدل گردید که در لیگ بسکتبال آمریکا در یک مسابقه کمتر از ۵۰ پوئن گرفته است. عجیب تر آن که جوردن خود به تنهایی ۳۰ بار در عمرش در یک مسابقه بیشتر از کل حاصل کار دیروز تیم بولز امتیاز کسب کرد!

در پایان دیدار دیروز ران هارپر گاردبولز و دوست نزدیک جوردن به خیر نگاران گفت: قطعاً جوردن به من تلفن خواهد زد و کلی خواهد خندید! و بیل وینینگتون یکی از معدود مهره‌های باقی مانده بولز از فصول پیشین گفت: کسب چنین رکوردهایی اصلاً شیرین نیست.

سایر نتایج دیروز

کلیولند کاولیرز ۸۱-۸۱-آتلانتا هاکس ۶۷، گولند استیوت وایورز ۹۱-۹۱-دالاس مایورکز ۹۰، شارلوت هورنتز ۹۲-۹۱-بندیاپاسیس ۹۰، فینیکس سانز ۱۱۰-۱۱۰ سن آنتونیو اسپرز ۸۴ و ساکرامنتو کینگز ۱۱۰-دور ناچتز ۱۰۴

کرد.

گویا حیدر-خان برای تجدید دیدار از خانواده‌های سوخته‌شده و در غیاب خود سکان رهبری تیم را به بهمن سلطانی، کاپتان سابق تیم ملی والیبال سپرده است.

آنچلوتی: منچستر را دوباره خلع سلاح می‌کنیم

چهارشنبه شب هفته بعد تیم‌های فوتبال یوونتوس ایتالیا و منچستر یونایتد انگلستان دیدار بر کشت خود را در مرحله نیمه نهایی جام قهرمانی باشگاه‌های اروپا در ورزشگاه دل‌الپی، شهر نویرن بر گزار می‌کنند و پس از تساوی ۱-۱ در دیدار رفت، شانس یوونتوس برای کسب مجوز صعود بیشتر بنظر می‌رسد.

سران منچستر یونایتد ابراز امیدواری کرده‌اند که به‌رغم نتیجه فوق و خوردن یک گل خانگی صعود کنند. اما تاریخ و سوابق به نفع ایران دوشام و یدان رای می‌دهد.

از ۱۹۵۸ یعنی اولین سال حضور یوونتوس در رقابت‌های باشگاهی اروپا، یوونتوس فقط در ۳ مسابقه خانگی خود در این ییکارها شکست خورده است و آخرین آن باخت‌ها، در سال ۱۹۶۸ و با نتیجه ۱-۰ در برابر نیشکار بر نغال شکل گرفت. از فضا نیشکار بعداً در فینال به منچستر یونایتد انگلستان باخت. و اگر آن سال (۱۹۶۸) را مینا بگذاریم، از آن زمان به بعد یوونتوس ۴۶ دیدار خانگی در این جام داشته و فقط یک‌بار بازنده شده که در سال ۱۹۹۵ و در مرحله لیگی رقابت‌ها در مصاف با یوروسلادور تموند آلمان بود. که البته تأثیری در صعود یوونتوس از گروهش نداشت.

بدون پیروزی در ایتالیا

در نقطه مقابل منچستر یونایتد هرگز در یک مسابقه رسمی را ایتالیا پیروز نشده و حتی استفاده که انترمیلان دیگر تیم پرستاره این کشور را حذف کرد، در پناه برد بازی رفت بود و در میلان نتیجه بی‌بهرتر از تساوی ۱-۱ نگرفت. از طرف دیگر منچستر یونایتد در هر دو سال گذشته در مرحله لیگی رقابت‌ها در خانه یوونتوس ۱۰-۱ باخته است کاروانچلوتی که از سه‌ماه پیش به جانشینی مارچلو لیپی مربی یوونتوس شده است، با همین دلگرمی‌ها می‌گوید: من نسبت به صعود تیم خود در تورین مصمم هستم. در روزهای باقی مانده زیدان سلامت خود را باز خواهد یافت. او در اولد‌ترافورد در ۲۰ دقیقه آخر کم آورد و خسته شد. و ما بازیگران و تدابیر لازم را برای پی‌اثر کردن تهاجمات دیوید بکهام و رایان گیگز در اختیار داریم. درست است که گیگز گل مساوی تیمش را در منچستر زد، اما ما خوشحالیم که ارتباط او را با زوج یورک - کول تا حد زیادی قطع کردیم.



به‌رغم میل باطنی مجبور به این کار شدم چرا که حالا فجرسیاسی خطر سقوط را احساس می‌کند. ما فقط هفت بازی فرصت داریم تا عقب افتادگی خود را جبران کنیم. من برای بردن در کنار فجر موضوع کناره گیری را بعد از بازی‌های آسیایی تابلند عنوان کرده بودم ولی فدراسیون نپذیرفت تا کار به اینجا کشیده شود. حالا هم استغای خود را نوشته‌ام و چهارشنبه به فدراسیون می‌روم تا در این خصوص با صفایی فراهانی صحبت کنم. من همواره دوست داشتم در خدمت کشورم باشم و اگر شرایط مهیا بود با کمال میل حاضر هستم بعد از بازی‌های لیگ، در کنار تیم ملی انجام وظیفه کنم.

وقتی در فصل پیش (۷۶-۷۷)

مردان پرسپولیسیس مجبور به کناره گیری از رقابت‌های لیگ شدند، ناخواسته انگیزه خود را از دست دادند و در سردرگمی فرو رفتند.

در گریز نبودن پرسپولیسیس با بازی‌های رسمی باعث شد تا مت کوویچ سرمربی وقت این تیم در آغاز راه رقابت‌های لیگ آزادگان نتواند گره گور این تیم را باز کند به طوری که پرسپولیسیس در زمان رهبری این مربی کروات هیچگاه صلابت همیشگی خود را نداشت، تا این که یار دیرینه و شمشوار همیشگی پرسپولیسیس بعد از پنج سال دوری دوباره ابراز وجود کرد و به کمک تیم خود شتافت. پروین با بازگشت به خانه خود، روحی تازه در کالبد پرسپولیسیس دید.

روش‌های پروین در برخورد با

مسائل و کارهای ویژه او در یدن سازی

شاگردانش و همچنین آموختن

درسهایی که سرمشق آن حمله و هجوم

بود از پرسپولیسیس تیمی ساخت که

سال‌های سال طرفداران بیشمارش

انتظار آن را داشتند.

پروین به مردانش یاد داد که در

پرسپولیسیس باید برای مردم بازی کرد و

دیدیم که چطور سرخ پوشان با چنین

الگو و ایده‌هایی، یکی یکی حریفان را

پشت سر گذاشتند و خیلی‌زود صدر

دست پرسپولیسی «رو» شده است

جدول را تسخیر کردند.

کسب ۱۴ پیروزی متوالی و فاصله غیرقابل دسترسی پرسپولیسی با دیگر مدعیان همگان را مجاب ساخت که این تیم تا پایان بازی‌ها از اسب مراد پائین نخواهد آمد و همچنان یکه تاز میدان‌ها خواهد بود.

اما نوار پیروزی‌های پرسپولیسیس روز بیست و یکم اسفندماه سال پیش با شکست مقابل پاس پاره شد و بعد از آن سرخ پوشان در برابر ملوان و استقلال نیز متوقف شدند تا عملاً پرسپولیسیس حرکت پرقدرت سابق خود را از آنه غمشوار همیشگی پرسپولیسیس بعد از

پنج سال دوری دوباره ابراز وجود کرد و به کمک تیم خود شتافت. پروین با بازگشت به خانه خود، روحی تازه در کالبد پرسپولیسیس دید.
روش‌های پروین در برخورد با مسائل و کارهای ویژه او در یدن سازی شاگردانش و همچنین آموختن درسهایی که سرمشق آن حمله و هجوم بود از پرسپولیسیس تیمی ساخت که سال‌های سال طرفداران بیشمارش انتظار آن را داشتند.

پروین به مردانش یاد داد که در

پرسپولیسیس باید برای مردم بازی کرد و

دیدیم که چطور سرخ پوشان با چنین

الگو و ایده‌هایی، یکی یکی حریفان را

پشت سر گذاشتند و خیلی‌زود صدر

زینادی را تحمل کنند پرسپولیسیس

می‌تواند شکنده باشد.

هرچند پروین به ترکیب ثابت

اعتماد دارد ولی باید مردان

نیمکت نشین خود را پیش از این باور

کند و شاید او در بازی برابر استقلال

بازار داغ نقل و انتقالات

پسوستن محمد عمده غیانی، طراح و مغز متفکر تیم ذوب آهن اصفهان است، کارخانه تصمیم دارد علیرض امانی پاسور چپ دست این تیم را به همراه خرم روز، حسین اعتدال و پورحسینی به عنوان بازیکن آزاد اعلام کند. باشگاه آتش نشانی هم تصمیم دارد در سال جدید بهتر از گذشته از نام خود دفاع کند بنابراین با داریوش محمدی و رضا بنیادی وارد مذاکره شده است. در این میان تکلیف چند تیم دیگر از جمله ذوب آهن اصفهان، پرسپولیسیس و بازیافت هنوز مشخص نیست.

محمود فکری:

گل مجیدی هم آفساید نبود چه رسد به گل ملکیان

به نظر من او اصلاً شایستگی سوت زدن چنین بازی حساسی را نداشت. به طوری که دیدیم در نیمه دوم بازی از کنترل این داور عربستانی خارج شد تا آن گونه برخورد با اتفاق افتد.

وظیفه اصلی شما در این بازی چه بود؟

من می‌بایست در جنگ‌های میانه میدان شرکت می‌کردم و از آنجایی که استیلی جلوی من حرکت می‌کرد بیشتر وقت‌ها او مشغول بودم.

تیم پرسپولیسیس را چطور ارزیابی می‌کنی؟

یاران پرسپولیسیس نیز خیلی خوب کار کردند و سعی داشتند از همان ابتدا فوتبال محکمگی ارائه دهند و در درگیری‌ها موفق باشند.

بهترین‌های دو تیم از نظر شما چه کسانی بودند؟
در تیم استقلال، زرنجه، تقوی و مجیدی خیلی خوب کار کردند و در تیم حریف نیز هاشمی نسب و استیلی را بهتر از دیگران دیدم.

مجیدی به اصفهان نمی‌رسد

استقلال بعد از بازی برابر پرسپولیسیس خود را با یک لشکر بازیکن دواخطاره و مصدوم مواجه دید به طوری که آنها برای فرار از بازی‌های لیگ، اما اصرار قهرمانی باشگاه‌های آسیا را پیش کشیدند و از فدراسیون خواستار لغو دیدارهای آتی خود در لیگ شدند.

اما اصرار فدراسیون در برگزاری منظم بازی‌ها استقلال‌ی‌ها را مجبور ساخت تا از درخواست خود صرف نظر کنند و برای انجام دیدار خود برابر سیمان ساهاان راهی اصفهان شوند. حجازی در دین بازی، برومند، حسن زاده، فکری، بختیاری زاده و تقوی

بلا تکلیفی ترکاشوند!

گویا پیکانی‌ها وقتی دیدند اکبری به خاطر مسئله سربازی حالا حالا‌ها می‌بایست در صنام توب ترکاشوند را به هیچ قیمتی از دست نخواهد داد، مسئولان باشگاه پیکان گفتند که هنوز هم خواهان ترکاشوند هستند.

صعود ۷ تیم در جام جهانی فوتبال جوانان

پاراگوئه درخشید، آلمان حذف شد

دیروقت شنبه شب با انجام ششمین بازی تکلیف گروه‌های اول تا سوم جام جهانی فوتبال جوانان ۱۹۹۹ در شهرهای مختلف کشور نیجریه روشن شد و هفت تیم از این سه گروه راهی مرحله دوم پیکار‌ها شدند.

بزرگترین حذف‌شده آلمان بود. این کشور که در بازی نخست خود پاراگوئه را ۴-۰ درم گویید و سروصدایی را ایجاد کرده بود، در میان حیرت ناظران ۳-۱ به کاستاریکا باخت و در گروه اول به رتبه آخر رسید. پیش از این نیجریه هم با همین نتیجه به پاراگوئه باخته بود و در خطر حذف شدن قرار گرفته بود، که بر غیر منتظره کاستاریکا، این تیم را زنده کرد و در صحنه نگه داشت.

هر چند مقام‌های نیجریه بلافاصله پس از شکست مذکور، تونده دیسو مربی تیم را بر کنار کرده و تیس لیبر رگتس مربی

هلندی و آشنای تیم ملی بزرگسالان کشور را جایگزین وی کردند.

آرژانتین به دشواری صعود کرد

آرژانتین قهرمان دو دوره گذشته پیکار‌ها در آخرین دیدارش

در گروه دورقابت‌ها به تساوی بدون گل با کرواسی اکتفا کرد و با

این نتیجه فقط به رتبه سوم گروه دست یافت، اما آرژانتین به دلیل



وقتی که پيله احتياط را پاره کرد و برای روزهای باقیمانده باید آخرین تیرهای تر کش خود را رو کنند و در خسته به میدان فرستاد به این باور رسیده باشد.

روی خط فوتبال جهان

بایرن مونیخ شنبه شب «هو» شد!

در یک واقعه عجیب بایرن مونیخ صدر نشین مطلق لیگ فوتبال آلمان (بوندس لیگا) شنبه شب در پایان نیمه اول بازی‌اش با شانکه در هفته بیست و نهم این لیگ به خاطر گل نزدن و تن دادن به تساوی بدون گل از سوی طرفدارانش هو شد!

در شروع نیمه دوم بایرن مونیخ یک گل توسط الکساندر زینکلر زد، اما اولیور هلد هافیک شانکه در دقیقه ۶۲ بازی را مساوی کرد و مسابقه ۱-۱ مساوی تمام شد. اعتراض تماشاگران در پایان نیمه اول در حالی شکل گرفت که بایرن هنوز با ۱۳ امتیاز برتری بر نزدیک ترین تعقیب کننده اش (بایرلور گوزن) بر رقابت‌های لیگ آلمان حکم می‌راند و قهرمانی اش قطعی نشان می‌دهد.

دوگاری: شانس «بولونیا» بیشتر است

کریستوف دوگاری مهاجم ملی پوش تیم فوتبال مarseی فرانسه دیروز اعتراف کرد که پس از تساوی صفر - صفر هفته پیش تیمش با بولونیا ایتالیا در مسابقه رفت نیمه نهایی جام یوفا امید زیادی برای صعود مارسه به فینال متصور نیست.

دوگاری که در پیکار مذکور در ورزشگاه ولدوروم مارسه درخشش مورد نظر را نداشت و پس از ۶۷ دقیقه تعویض شد و جایش را به ادسون داسیلوا برزیلی داد، گفت: باید قبول کرد که حالا سرنشت تا ۰-۶ در صد به نفع آنها ترسیم شده و شانس ما به ۴۰ درصد کاهش یافته است. شاید بولونیا ستاره نداشته باشد و بازی خارق العاده‌ای را انجام ندهد، اما به هدفی که برای خود تعیین کرده بود، دست یافت و دقیقاً همان طور کار و بازی کرد می‌خواست.

پیروزی بارسلون در یک مسابقه پرافت و خیز

در اولین بازی از هفته بیست و نهم لیگ فوتبال اسپانیا که دیروقت شنبه شب برگزار شد، بارسلون پیشاهنگ پرستاره این مسابقه‌ها در یک دیدار پرافت و خیز در زمین ترف تیم ماقبل آخر جدول ۳-۲ برنده شد و موقتاً ۹ امتیاز از رئالسیا تیم دوم جدول پیش افتاد.

بارسلون هر سه گلش را در نیمه اول و توسط کوکو هلندی، ریوالدو و برزیلی و سلاسی اسپانیایی در دقیقه ۱۷، ۳۶ و ۴۵ زد و گل‌های ترف را پی‌اثری تیلاد و ماگای در دقیقه ۴۴ و ۵۶ زدند. داور با اخراج دو بازیکن نه ترف در ۱۶ دقیقه آخر کار بارسلون را ساده و پیروزی این تیم را محرز کرد.

دنیس اروین، قراردادی تازه با منچستری‌ها بست

دنیس اروین مدافع چپ ایرلندی معروف فوتبال منچستریونایتد انگلستان روز گذشته قراردادش را با این باشگاه به مدت یک سال دیگر تمدید کرد.

اروین ۳۵ ساله هفته پیش طی تساوی ۱-۱ منچستریها با ویملدون در یکی از بازی‌های لیگ برتر این کشور، دویمت ونوده‌فتمین بازی خود در ترکیب فیکس منچستر در این لیگ را انجام داد. وی گفت: «من مخصوصاً صبر کردم تا نیمه بیشتر فصل را بگذرانم و ببینم در ترکیب فیکس تیم باقی می‌مانم یا خیر» و سپس براساس آن، شروع به صحبت با رئیس باشگاه (مارتین ادواردز) کردم.

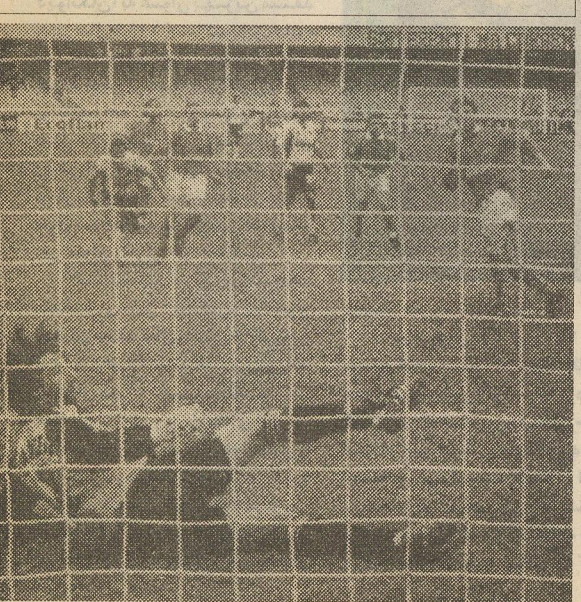
یوئنهوف: به داد ما برسید!

رایتر یوئنهوف مربی سرشناس تیم فوتبال یوروسلادور نشین کلا دیاخ که پس از شکست ۳-۰ شنبه شب تیمش در برابر نوره‌میرگ در هفته بیست و نهم لیگ آلمان سقوط گلا دیاخ قهر نشین را به دست دوم تقریباً قطعی می‌بیند، دیروز از طرف‌داران غم زده و عصایان باشگاه خواست در این روزهای سخت گلا دیاخ را تنها نگذارند.

یوئنهوف که در هیات یک بازیکن در دهه ۱۹۷۰ او طی اعلا پی گلا دیاخ با این باشگاه ۵ بار قهرمان لیگ آلمان و ۲ مرتبه هم فاتح جام یوفا شد، گفت: نوعمیت ما به وضع بسیار خطیر است و امیدوارم هوادوهران تیم در این شرایط نیز ما را حمایت کنند.

صعود «نانت» و «نیم» در فوتبال فرانسه

در دو بازی دیگر از مرحله یک چهارم پایانی جام حذفی فوتبال فرانسه، تیم‌های نانت و نیم حریفان خود را مغلوب کردند تا به نیمه نهایی برسند. نانت تنها تیم دسته اولی باقی مانده در صحنه تا دو گل از اولیور مونته رویو و ایودرودف در دقیقه ۲۹ و ۹۰ با حساب ۲۰-۰ بر گنگان از دسته دوم چیره شد و به عنوان آن نیمه دیگر تیم دسته دومی انگولم دسته سومی را با نتیجه‌ای مشابه (۲-۰) شکست داد.



پیشہ بہت اہم کیس ہے

دور کی پستی و انتہائی پستی اور
ایک راستہ - سب سے پہلے واپس